

کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱ بهمن ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

سنگینی کفه مالیات
تکلیفی بر اقتصاد گلستان



۲

چهار فعال کشاورزی گلستان
برگزیده ملی شدند



۲

معضلی به نام
پیاپی‌روهای اجاره‌ای



۳

یادداشت اول

بهمنی باشیم

با مسولیت سردبیر

نامگذاری ماههای ایرانی بسیار پر مفهوم و جذاب است. ماههای فرشتگان آب، زمین، آتش و طبیعت که از آنها همواره بوی زندگی می آید، فروردین به معنای ماه پاک است و اردیبهشت به معنای بهترین راستی و پاک است اما خرداد به معنای تندروستی و رسایی و کمال است و تیر خلدون‌نگار باران به معنای چابکی و تنلی، امرداد هم که به نادرستی مراد گفته می شود به معنای نامیرا و جاودان است و شهریور فرشته نگهبان آسمان نام دارد و به معنای شهر آرزوها و یا به تعبیر امروزی مدینه فاضله است، اما نام ماه مهر به معنای پیمان دوستی و محبت است و آبان فرشته نگهبان آب به معنای آب‌ها است، آذر فرشته نگهبان آتش است و در معنای آتش و اخگر، دی به معنای دار و آفریننده است و اسفند ماه فرشته حامی زمین به معنای آرامش، فروتنی و پاک است. اما درباره بهمنی که امروز اولین روز آن است باید بگوییم نام ماه بهمنی در اوستا و هومنه و در فارسی میانه و هومن و در فارسی نو هومن و بهمنی است این واژه ترکیبی از زهو به معنی خوب و منه به معنی منس و با هم به معنی نیک اندیش است. بهمنی نخستین آفریده اورمزد و از تواناترین و بزرگترین ایزد است، مظهر اندیشه نیک و خرد و توانایی خلدوند است و عقل و تدبیر انسانها را نیرو می دهد. آموزه های او اندیشه نیک گفتار نیک و کردار نیک است. بنابراین بهمنی بودن به معنای نیک اندیش بودن و نیکخواهی برای دیگران است و امید است ماهی فرخنده و نیک برای همه باشد. با نگاهی به تاریخ گذشته و توجه به آنها نه تنها می توانیم آبان خود را از دانسته های بسیاری مملو کنیم بلکه می توانیم با قامتی رشید به آنها تکیه کنیم و نسل جوان را با نیک اندیشی و درست کرداری آشتی دهیم و نگران بحران هویت آنها نباشیم. ملتی که در او اردیبهشت و فروردین باشد لابد امرداد نیز هست، چنین ملتی اگر خود را فراموش نماید و داشته های خود را سهل انگار بدون تردید در صر حوادث لطمه خواهد دید. ایران تنها یک جغرافیا نیست، ایران یک فرهنگ پر بار و غنی از اعتدال، تساهل و مهرورزی، فتوت و دادگری و راستی و آزادی ایران یک پایگاه بلند معرفتی است و همه این فضایل در ماههای سال نامگذاری شده اند تا من و شما از یاد نبریم که باید خود را به کدامین فضایل آراسته کنیم. در اولین روز این ماه هورایی آرزو می کنیم بهمنی باشید و بهمنی بنامید.



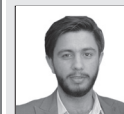
فرصت طلایی زراعت چوب
در گلستان

« ۸ »



شعر گلستان

« ۵ »



داستان کوتاه
چشمه توبین

« ۴ »

حیات جنگل



محمد اسماعیل اسدی - منابع طبیعی در هر کشوری یکی از زیر ساخت های اصلی توسعه هر کشور محسوب می شود و کشوری که فاقد این منابع باشد به عقیده کارشناسان اقتصاد محیط زیست از پشتوانه مناسبی برای توسعه برخوردار نیست. جنگلهای شمال ایران موسوم به جنگلهای هیرکانی که دومین اثر ثبت طبیعی ما در میراث یونسکو در سال ۲۰۱۹ می باشد گنج ارزشمند استان های شمالی ایران محسوب می شود که برای حفاظت از آن باید توجه ویژه ای داشته باشیم. جنگل های هیرکانی دارای خدمات بوم سازگاری متنوع بوده و از نظر بوم شناسی، اقتصادی و اجتماعی دارای جایگاه ارزنده ای هستند و ذخیره کربن به عنوان یکی از خدمات ارزشمند تنظیمی بوم سازگان شناخته شده است. جنگل صرف نظر از همه ارزش هایی که دارد و خود یک منبع در آمد پایدار برای هر کشوری محسوب می شود، به مدیریت پایدار و علمی نیز نیاز دارد. مدیریت که مبتنی بر علم اکولوژی باشد و بیشتر از آن که در فکر تبدیل درختان به گرده بینه باشد به فکر حفظ بوم سازگان (اکوسیستم) موجود و استفاده از سایر کارکردهای درختان باشد. اگر چنین مدیریتی حاکم شود قطع یقین گام بزرگی برای حفاظت از این میراث ارزشمند برداشته خواهد شد. با این حال وضع جنگل های شمال ایران در حال حاضر به گونه ای است که برای اصلاح این وضع و از میان بردن عوامل تخریب به بودجه های دولتی هم نیازمند است. کف جنگل (Forest floor)

از خاک کف جنگل در تقابل فرسایش های آبی و بادی می شوند و هم موجب افزایش ماده آلی خاک می گردند. برگهایی که در پائین درخت می‌ریزند بطور متوسط دارای ۱۲ تا ۱۴ درصد آب و ۵ تا ۱۰ درصد خاکستر و ۳ تا ۴ درصد نیتروژن هستند و یک هکتار جنگل دانه زاد راش که در حدود ۳۷۰۰ کیلوگرم در سال برگ به زمین می‌ریزد در ۱۸۵ کیلوگرم مواد معدنی و ۳۷ کیلوگرم نیتروژن به پوشش مرده می افزاید. گذشته از نیتروژنی که در برگها یافت میشود، پوشش مرده نیتروژن فراوانی هم از هوا دریافت میکند و اینکار بوسیله باکتریهای ویژه ای انجام میشود که در روی برگهای خشک پوشش مرده یافت میشوند و این باکتریها نیتروژن فراوانی از هوا می ربایند و خاک جنگل را از این عنصر گرانبها که در کشاورزی از راه کود به زمین میرسد بی نیاز میکنند. جذب نیتروژن نتیجه هم زیستی چندین باکتری است. این باکتریها مایه پوسانیدن پوشش مرده و ساختن لاشبرگ میگردند و با باکتریهایی که در زمینهای زراعتی یافت میشود اختلاف دارند. برخی قارچها نیز مانند باکتریها در پوسانیدن پوشش مرده و ساختن لاشبرگ موثرند، جانوران کوچک از دسته بی مهرگان نیز در پوسانیدن پوشش مرده کمک میکنند بدین ترتیب که از برگها و گیاههای خشک تغذیه کرده و باآخال خود آنها را به خاک بر می گردانند...

که لاشبرگ، پوسبرگ (Duff) یا ریزه (Detritus) نیز نامیده می‌شود، بخشی از بوم سازگان جنگل است که میان بخش زنده و قسمت هوایی جنگل و خاک زیرین که بستر و زیستگاه ریشه ها و موجودات خاک زی است و عملیات از باکتریها و قارچها و جلبکها و بی مهرگان و کرمهای خاکی و مواد آلی پوسیده و برگ های ریخته شده در بوم‌سازهای جنگلی، تجزیه لاشبرگ و کربن مهم‌ترین راه ورود عناصر غذایی و کربن به خاک است و قابلیت در دسترس بودن عناصر غذایی خاک به میزان زیادی ناشی از پویایی عناصر غذایی و تجزیه لاشبرگ در جنگل است. گونه های درختی پهن برگ از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر ویژگی های خاک از طریق تولید لاشبرگ بوده و نقش اساسی در چرخه کربن و ترسیب آن دارند. لاشبرگ (Litter) لایه‌ای است متشکل از انواع مواد آلی جانوری و گیاهی که سطح خاک جنگل

سنگینی کفه مالیات تکلیفی بر اقتصاد گلستان

ریال معادل ۹۵ درصد از درآمدهای مالیاتی استان محقق شده است. اخوان با بیان اینکه در ۹ ماهه امسال، ۳۲ هزار میلیارد و ۸۸۴ میلیون ریال مالیات در گلستان وصول شده که ۹۵ درصد درآمدهای استان را در برمی گیرد، تاکید کرد: این مساله حاکی از آن است که امور مالیاتی به تنهایی محور وصول درآمدهای استان را می کشد. نماینده مردم رامیان و آزادشهر در مجلس شورای اسلامی نیز در این باره اظهار کرد: گلستان متکی به کشاورزی است و بخش کشاورزی معاف از مالیات است از سویی دیگر وقتی گردش مالی کارخانجات و حتی فروشگاههای بزرگ گلستان در استانهای دیگر انجام می شود چرا باید مالیات ۵۰ الی ۷۰ هزار میلیارد ریالی برای گلستان در نظر گرفته شود؟ جمشید قائم مقام افزود: گلستان تولیدکننده محصول استراتژیک مانند گندم در کشور است و مواد اولیه کارخانجات معادن سمنان و اصفهان در گلستان تامین و تولید می شود و اگر مرغ تولیدی این استان یک روز به میدان بهمن نرسد، استان تهران با چالش مواجه می شود با همه این خدمات، افزایش مالیات تکلیفی و فشار بر اصناف دارای حداقل گردش مالی منصفانه نیست. وی با بیان اینکه اعمال فشار بر اصناف برای کاهش هزینه های دولت درست نیست، تصریح کرد: وقتی مالیات یک استان افزایش می یابد باید درآمد سرانه آن استان هم افزایش پیدا کند. گلستان درآمد ملاز ندارد و وضعیت معیشتی مردم این استان هم بهتر نشده لذا نباید شاهد افزایش مالیات تکلیفی در گلستان باشیم. نماینده مردم رامیان و آزادشهر در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه تعیین مالیات تکلیفی فراتر از توان گلستان اجحاف در حق صنایع کوچک و بازار استان است، گفت: مالیات تکلیف شده برای گلستان سنگین است و نیاز به بازنگری دارد. قائم مقام تاکید کرد: در دیدار با رئیس جمهور نیز بر این نکته تاکید کردم که گلستان با تولید محصولات کشاورزی به ویژه گندم و دیگر محصولات استراتژیک دین خود را به کشور ادا کرده اما هیچ گاه در سطح ملی نگاه ویژه ای به این استان نشده از این رو گلستانی ها با باید از محصولات تولیدی خود منتفع شوند و یا دولت ردیف اعتباری ویژه ای برای کمک به این استان در نظر بگیرد. وی با بیان اینکه تولید ناخالص داخلی، درآمد و سطح معیشت در گلستان هر روز سیر نزولی دارد، تاکید کرد: از رئیس سازمان برنامه و بودجه درخواست کردیم با اعزام یک تیم کارشناسی به استان گلستان، مسائل مربوط به این موضوع را از نزدیک واکاوی و بررسی کنند. نماینده مردم علی آبادکتول در مجلس شورای اسلامی نیز با تاکید بر اینکه گلستان از وجود صنایع مادر و توسعه گردشگری بی بهره است، اظهار کرد: اقتصاد گلستان ضعیف است و در این شرایط تعیین مالیات تکلیفی ۵۰ الی ۷۰ هزار میلیارد ریالی به مردم فشار وارد می کند. رحمت الله نوروزی افزود: برای کاهش سهمیه مالیات تکلیفی استان گلستان به همراه استاندار و مجمع نمایندگان استان پیگیری های متعددی انجام شده که امیدوارم به زودی به ثمر بنشیند.



تاکید کرد: اقدامات اثربخش گلستان در جلوگیری از فرار مالیاتی، استان را در شاخص مقابله با فرار مالیاتی در رتبه هفتم کشور قرار داده و این مساله نشان می دهد گلستان همه توان خود را برای وصول مالیات به کار گرفته اما واقعیت تلخ آن است که به علت مغفول ماندن رشد توسعه اقتصادی در بخش صنایع و رفع نشدن موانع قانونی برای استان، منابع دارای ظرفیت مالیاتی در گلستان پایه گذاری نشده است. کارشناس امور مالیاتی متذکر شد: دیگر استان ها کارخانه های بزرگ و صنایع تبدیلی پتروشیمی، غذایی، صنعتی دارند که از منابع مهم وصول مالیات است اما در استان می مانند گلستان که بیشتر دارای مشاغل خرد و جزء و کشاورزی بوده و فاقد صنایع مهم و درآمدزا است وصول مالیات حتی نیاز به هزینه انرژی و زمان زیاد و صدور برگه های متعدده مالیاتی دارد. اخوان با بیان اینکه وقتی درآمدهای مالیاتی استان به طور کامل محقق نشود منابع اعتباری تخصیصی به استان از سطح ملی نیز کاهش می یابد، گفت: در نتیجه این اتفاق بسیاری از پروژه های عمرانی متوقف و بلا تکلیف شده و مشکلاتی همچون بیکاری نیز در استان قوت می گیرد لذا گلستانی ها علاوه بر تحمل فشار اقتصادی عمومی که وجود دارد باید مشکل تخصیص پایین منابع اعتباری را هم به دوش بکشند. وی توضیح داد: تولید ناخالص داخلی استان گلستان در سال ۱۴۰۲، بیش از هزار و ۳۵۰ میلیون ریال و نسبت تولید ناخالص داخلی استان به درآمدهای مالیاتی ۱۳۷ درصد است حال آنکه تولید ناخالص داخلی استان صنعتی نظیر استان سمنان هزار و ۷۵۰ میلیون ریال بوده که نسبت به این شاخص ۲۸ درصد مالیات اخذ می شود و این مساله نشان می دهد معافیت های بالای مالیاتی موجب شده تا گلستان با وجود تولید ناخالص داخلی بالاتر نسبت به دیگر استان های صنعتی از درآمد مالیاتی کمتری برخوردار باشد و این مساله چالش هایی از جمله تخصیص نامناسب و پایین اعتبارات استانی از محل بودجه ملی و بالا بودن قیمت تمام شده برای وصول مالیات رارقم خواهد زد. کارشناس امور مالیاتی گفت: در سال ۱۴۰۲، ۳۳ هزار میلیارد و ۹۶۳ میلیون ریال مالیات برای استان گلستان در نظر گرفته شد که با اقدامات انجام شده از سوی اداره کل امور مالیاتی استان و جلوگیری از فرار مالیاتی، ۳۲ هزار میلیارد و ۲۹۴ میلیون

مجلس شورای اسلامی باید با بازنگری در معافیت های مالیاتی و اصلاح ساماندهی آن به توسعه و عمران و آبادانی شهرها و روستاها کمک کنند. براساس ماده ۸۱ قانون مالیات های مستقیم همه فعالیت های کشاورزی و زیرشاخه های آن مانند مرغاری ها، دامداری ها، گلخانه ها، کارخانه های زنجیره تولید مرغ و پرورش میگو میباشند از پرداخت مالیات معاف هستند. همچنین براساس ماده ۱۳۲ قانون مالیات های مستقیم برخی شرکت ها و واحدهای تولیدی بزرگ مانند سیمان پیوند، شوره یاب، شرکت کانسار خزر و واحدهای تولیدی مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی کمتر توسعه یافته از پنج تا ۱۳ سال از مالیات معاف هستند. از دیگر موارد معافیت های مالیاتی، ماده ۱۳ قانون اداره مناطق آزاد تجاری است که براساس این قانون فعالان اقتصادی شاغل در مناطق آزاد تجاری و شرکت های پتروشیمی گلستان تا ۲۰ سال از مالیات معاف هستند. همچنین براساس ماده ۱۴۱ قانون مالیات های مستقیم صادرکنندگان از معافیت ناشی از صادرات برخوردار می شوند و شرکت های پذیرفته در بورس مطابق حکم قانون بودجه از معافیت ناشی از افزایش سرمایه بهره مند خواهند شد. مدیرکل امور مالیاتی گلستان نیز در آخرین نشست خبری خود به وجود این چالش مالیاتی در استان اشاره کرد و تعیین این میزان مالیات تکلیفی را فراتر از توان گلستان دانست. قربان حاجی مشهدی افزود: هدف دولت از معافیت مالیاتی واحدهای تولیدی و صنایع در مناطق کمتر توسعه یافته استان، رشد و شکوفایی این مناطق است اما آیا وجود چنین واحدهایی در عمل رشد و شکوفایی مناطق محروم استان را به دنبال داشته است؟ یک کارشناس امور مالیاتی در این باره با بیان اینکه در حال حاضر گلستان تامین کننده بخشی از سبک مالیات فراتر از توان استان است و نیاز به تجدیدنظر دارد. از سویی دیگر یکی از دلایل پایین بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور، گستردگی و بالا بودن معافیت های مالیاتی است که این معضل گریبان استان گلستان را هم گرفته و همان اندک صنایع و واحدهای تولیدی بزرگ استان همچون کارخانه ید، کارخانه سیمان، نیروگاه برق علی آبادکتول و امثال آن به دلیل قرارگیری در منطقه محروم از پرداخت مالیات معاف هستند که به نظر می رسد نهادهای تصمیم گیر به ویژه

دریافت ۵۰ هزار میلیارد ریال مالیات تکلیفی برای استانی که اقتصاد اول آن بر پایه کشاورزی است و با چالش درآمد سرانه کمتر از میانگین کشوری و نابرابری درآمدی دست و پنجه نرم می کند بر اقتصاد گلستان سنگینی می کند. به گزارش ایرنا، نقش کلیدی مالیات در توسعه اقتصادی و عمران و آبادانی کشور بر کسی پوشیده نیست. اهمیت پرداخت مالیات و اتکاب درآمدهای مالیاتی به ویژه در سال های گذشته با افزایش تحریم های اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته تا جایی که درآمدهای مالیاتی از درآمدهای نفتی پیشی گرفته و به بیش از دو برابر درآمدهای نفتی رسیده است. با وجود اهمیت بالای مالیات در عمران و آبادانی کشور، استان های کمتر توسعه یافته ای مانند گلستان که اقتصاد اصلی آن بر پایه کشاورزی است از کنار مالیات به جای سود زیان هم می کند. گلستان یک استان کشاورزی است که اقتصاد اصلی آن بر پایه کشاورزی می چرخد. همچنین سالانه حدود پنج میلیون تن انواع محصول در شرایط عالی و به دور از خشکسالی تولید می شود که شامل تولیدات زراعی دامی، باغی-جنگل و مرتع و صید و ماهیان پرورشی است. بهره برداران کشاورزی گلستان در تولید ۱۵ محصول راهبردی شامل تولید دانه های روغنی کلزا، سویا و آفتابگردان، هلو، توتون و گوشت مرغ رتبه اول، گندم، چغندر قند و خرما، مقام دوم، شلتوک (برنج) پیله تر ابریشم، میگو و پنبه رتبه سوم، ماهیان پرورشی و خاویاری رتبه چهارم و جو و زیتون رتبه پنجم کشوری را در اختیار دارند. گرچه گلستان در بخش کشاورزی در کشور سرآمد است و ۳۶ روز از امنیت غذایی کشور را تامین می کند اما این استان شمالی با وجود آنکه در این سال ها توسعه صنعتی را به خود ندیده در بخش کشاورزی هم پیشرفت زیادی نداشته و از نبود صنایع تبدیلی کشاورزی رنج می برد. در میان همه چالش های ریز و درشتی که استان محروم گلستان به ویژه در بخش اقتصادی دارد یکی از مشکلات این استان، اختصاص مالیات تکلیفی بیش از توان و ظرفیت درآمدی گلستان است. بر اساس گزارش امور مالیاتی گلستان، تکلیف مالیاتی امسال استان ۵۰ هزار میلیارد ریال است که در حال حاضر تا وصول سهمیه ۱۸ هزار میلیارد ریال کسری وجود دارد و براساس پیش بینی ها مالیات تکلیفی استان در سال آینده به ۷۰ الی ۸۰ هزار میلیارد ریال می رسد که اختصاص چنین سهمی با توجه به معافیت بخش کشاورزی در پرداخت مالیات فراتر از توان استان است و نیاز به تجدیدنظر دارد. از سویی دیگر یکی از دلایل پایین بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور، گستردگی و بالا بودن معافیت های مالیاتی است که این معضل گریبان استان گلستان را هم گرفته و همان اندک صنایع و واحدهای تولیدی بزرگ استان همچون کارخانه ید، کارخانه سیمان، نیروگاه برق علی آبادکتول و امثال آن به دلیل قرارگیری در منطقه محروم از پرداخت مالیات معاف هستند که به نظر می رسد نهادهای تصمیم گیر به ویژه

ادامه تیر اول

حیات جنگل

کره های خاکی بویژه خیلی سودمند هستند و برگهای خشک ممز را بیش از برگ سایر درختان دوست میدارند چنانکه در جنگلهای ممز که در زمستان زمین آنها پوشیده از برگهای خشک است تا آغاز تابستان اثری از برگهای خشک باقی نمی ماند. گرما در پوسانیدن پوشش مرده اثر دارد... نم هوا و خاک در پوسانیدن پوشش مرده موثر است و هر چند برگهای خشک نمناکتر باشند زودتر میپوسند و اگر برگها خیلی خشک باشند بهیچوجه نخواهند پوسید و از طرفی چون اکسیژن برای عمل باکتریها لازم است اگر آب سطح پوشش مرده را بپوشاند و از راه یافتن هوا در آن جلوگیری کند پوسیدگی بخوبی انجام نخواهد گرفت بنابراین اندازه نم پوشش مرده از این لحاظ دارای حداقل و حداکثری است که بستگی به جنس خاک دارد. اثر روشنایی در پوسانیدن پوشش مرده هنوز آشکار نیست ولی گمان می رود که بهیچوجه موثر نباشد. برگهای رزین دار و برگ درختانی که مازوج دارند دیر میپوسند. پارک جنگلی هیرکانی النگدره گرگان واقع در قلب شهر گرگان نیازمند مدیریت و توجه بیشتر مسئولان و همکاری و همیاری مردم در حفاظت است. بدون شک اگر زمانی فرارسد که مردم و مسئولان، نگاه سنتی خود را از نگاه پارک شهری به نگاهی مدرن و مبتنی بر طبیعت تبدیل کنند آن روز قدم بزرگی برای حفظ این پارک جنگلی بازممانده از دوران سوم زمین شناسی برداشته خواهد شد.

پژوهشگر بین المللی
آب و خاک

خبر

چهار فعال کشاورزی گلستان برگزیده ملی شدند

مدیر هماهنگی ترویج کشاورزی اداره کل جهاد کشاورزی گفت: چهار نفر از فعالان کشاورزی این استان با تلاش برای ثبت بهترین عملکرد در مجموعه های خود به عنوان برگزیده ملی کشاورزی انتخاب شدند. به گزارش روابط عمومی، شهربانو سلطانهلیان اظهار کرد: برگزیدگان ملی بخش کشاورزی گلستان شامل، ساره گیلک حکیم آباد برگزیده شرکت تعاونی روستایی زنان شهرستان علی آبادکتول، تاج محمد طاقانی برگزیده تولید گندم دیم از گالیکش، سهراب کمالی برگزیده مرغدار واحد تخمگذار از شهرستان ترکمن و سیدهامان هاشمی برگزیده شرکت خدمات مشاوره ای فنی مهندسی کشاورزی گرگان هستند. وی روزآمد بودن فعالان کشاورزی را از برنامه های مهم جهاد کشاورزی استان برشمرد و گفت: از ابتدای سال تعداد ۱۶۰ هزار فعال در دوره های آموزشی این مدیریت در قالب های حضور در مزرعه، کارگاه و کلاس و چهره به چهره شرکت کرده و با آخرین یافته های آموزشی مورد نیاز بخش کشاورزی آشنا شدند.

معضلی به نام پیاده‌روهای اجاره‌ای



در این زمینه نشود. وی افزود: یکی از این موضوعاتی که مطرح شد بحث آزادسازی و رها کردن پیاده‌رو توسط سازنده یا کسبه‌ای است که در سطح شهر گرگان به چشم می‌خورد یک‌سری از سازنده‌ها متأسفانه پیاده‌روها

پیاده‌روها حقوق به ظاهر شهروندی که به نام شهروندان اما به کام دیگران است، که گاهی به خاطر عملیات عمرانی اجاره داده می‌شود و زمانی هم در سایه مزاحمت‌های ساختمانی به مبلمان شهری آسیب می‌زند. به گزارش مهر، مزاحمت‌های ساختمانی که به واسطه اشغال پیاده‌رو اسباب نایبمنی را برای شهروندان ایجاد می‌کند متأسفانه از سوی ضابطان شهری نادیده گرفته شده و این امر به نوعی برای شان عادی شده است! عضو شورای اسلامی شهر گرگان در خصوص سد معبر و اشغال پیاده‌روها گفت: همان‌طور که شما هم می‌دانید فضای شهری به وسیله بسیاری از کاسبان ممکن است با کانکس‌هایی که می‌گذارند اشغال شده باشد، حتی گفته شده فردی که میلگرد کنار جاده افتاده و همین مسئله باعث شده که لاستیک ماشین آسیب ببیند. ابوالفضل تجری در خصوص مدیریت و ساماندهی پیاده‌روهای شهری افزود: نکته بسیار درست و حقوق شهروندی است که ما باید این موضوعات را پیگیری کنیم تا خلای نکرده اجداد

را اشغال می‌کنند، خدمات شهری و سد معبر در این زمینه تذکرات شفاهی می‌دهد که آزادسازی انجام شود. عضو شورای اسلامی شهر گرگان با تأکید بر اینکه پیاده‌روها حق شهروندان است نه شهرداری، تصریح کرد: پیاده‌رو برای شهروندان است اما گاهی شهرداری پیاده‌رو را به یک شخص و یا سازنده‌ای اجاره داده می‌شود تا این پیاده‌رو به عنوان مثال برای ۲۴ ماه عملیات عمرانی و اجرایی انجام شود. تجری ابراز کرد: در این راستا به شهردار نامه زدم، مکاتبه کردم و حتی تذکر دادم که این خلاف است و حتماً پیاده‌رو باید برای شهروندان آزاد شود ضمن اینکه ایجاد خطر هم دارد. وی افزود: سد معبر مخصوصاً در محور صیاد شیرازی، دو الی سه مورد برخورد کردم در بلوار جانبازان نیز همین‌طور، در این زمینه به شهرداری‌های مناطق هم تذکر داده شده است. تجری تأکید کرد: شورای اسلامی شهر در موضوع رفع سد معبر برابر بند ۲ و بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها می‌توانیم رأساً ورود پیدا کنیم.

«آگهی ثبتی»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۴۷۳۲ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاه تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضی آقای/خانم غفور سوری فرزند اراز بشماره شناسنامه ۳۶۶ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۸۳۸۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۳۳ فرعی از ۱۹۹- اصلی واقع در قریه کومه بخش ۹ شهرستان کلاه خریداری از مالک رسمی آقای / خانم سید محمد علی قاهری محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاه م الف ۱۲۴۶۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۴۷۱۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاه تصرفات

«آگهی ثبتی»

آگهی نوبتی سه ماهه سوم سال ۱۴۰۳ ثبت اسناد و املاک گرگان

باستناد ماده ۱۲ قانون ثبت و مادین ۵۲ و ۵۹ آئین نامه قانون مذکور اسامی اشخاصی که در حوزه ثبتی ناحیه ۲ شهرستان گرگان در سه ماهه سوم سال ۱۴۰۳ از آنان پذیرش ثبت بعمل آمده و یا به دستور آراء صادره از هیئت نظارت و یا به اختیارات تفوضی می‌بایست تجدید آگهی شود به شرح ذیل آگهی میگردد.

بخش سه ثبت گرگان

ردیف ۱- پلاک شماره ۶۷۲۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم علی غریب آزادی فرزند شعبان دودانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۲۰۱۸۰ مترمربع واقع در اراضی خارج ازمرزعه موقوفه محمدصادق باباصدقیان چاله باغ ردیف ۲-پلاک شماره ۷۰۲۱ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم لیلی مازندرانی فرزند رمضان دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۱۰۱۷۴ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۳-پلاک شماره ۷۰۲۲ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم عبدالرحمن ناصری فرزند طواق محمد دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۱۳۴۰۳ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۴-پلاک شماره ۷۰۲۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم روح اله منصوری فر فرزند خلیل دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۲۲۵ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ۵- ردیف ۲-پلاک شماره ۷۰۲۴ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم مهدی قاسمی فرزند عبدالله دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۱۴۰۹۰ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۶-پلاک شماره ۷۰۳۶ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم ۱- مسعودیلاخلی فرزند باباعلی ۲-سلی اکبرشجاعتی فرزند ایوب دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۲۴۶۰۶ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۷-پلاک شماره ۷۰۲۷ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم ۱-حسین یارمحمدی فرزند غلامعلی ۲-قریه عابدینی فرزندیحیی دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۲۲۸۷۰ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۸-پلاک شماره ۷۰۲۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم سمانه شربتی فرزند حبیبعلی دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۹۱۷۶ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۹-پلاک شماره ۸۰۷۰ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم حسن سعادتمند فرزندرحمت دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۷۴۴۰

مالکانه بلامعراض متقاضی آقای/ خانم آنه محمد شیخ فرزند جان محمدخان بشماره شناسنامه ۴۲۶ صادره از ایران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره قطعه ۹ تفکیکی به مساحت ۶۷۹۶۸۳ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۸۲- اصلی واقع در اراضی قریه بابیتال بخش نه حوزه ثبتی کلاه انتقال ملک از مالک رسمی (مقدار نیم هکتار از سهم مشاعی (۸۳۳۱۱) و مقدار ۱۷۹۶۸۳ مترمربع از مالک رسمی غلامحسین مین باشینان (سند ۱۵۳۳۵) محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاه م الف ۱۲۴۶۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۴۷۹۷ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاه تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضی آقای/خانم عبدالصالح فرود فرزند ارجب محمد بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۱۴۷۳ کدملی ۴۸۶۰۱۴۷۳ صادره از شهرستان کلاه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۹۹۷۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاه خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای /خانم علیرضا شیخ محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از

تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاه م الف ۱۲۴۷۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۴۹۸۴ هیات اول/دوم مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاه تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضی آقای/خانم لیلارزقی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۸۳۶ کدملی ۶۶۴۹۵۵۴۱۴۹ صادره از شهرستان گالیکش در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۸۴- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاه خریداری بلاواسطه از مالک رسمی آقای /خانم محسن جعفری محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاه م الف ۱۲۴۷۷

ردیف ۲۰-پلاک شماره ۸۲۲۱ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم فاطمه رضاشاطری فرزندرضان دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۱۲۵۸۳ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۱-پلاک شماره ۸۲۲۲ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم مسعودعباسی فرزند حسین دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۶۰ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۲-پلاک شماره ۸۲۲۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم عزت نظریعباسی فرزند سیف اله دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۲۴۵۳۹ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۳-پلاک شماره ۸۲۲۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم بی بی زلیخا رجب پور فرزندحاجی گلدی دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۹۳۴۱ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۴-پلاک شماره ۸۲۲۴ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم احمدبزدی قلی آبادی فرزند محمدعلی دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۲۱۰۶ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۵-پلاک شماره ۸۲۲۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم محمدرضاحجوبی فرزند غلامعلی دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۴۸ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۶-پلاک شماره ۸۲۲۴ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم ۱-عباس کلاه عربی فرزند شوزب ۲-پوریا پنجه باشی فرزندرجبعلی ۳-رضاعلی انور فرزندغلامحسین دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۴۱۶۷۳ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ ردیف ۲۷-پلاک شماره ۸۲۲۵ فرعی از ۱۰۷- اصلی آقا/خانم منیره تازکی محمدمزمانی فرزند خلیل دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه به مساحت ۱۰۴۳۰ مترمربع واقع در خارج مرزعه موقوفه محمد صادق بابا صادقیان چاله باغ آگهی های نوبتی و تحدید حدود جهت اطلاع عموم انتشارمیگردد تا هرگاه شخص یا اشخاصی نسبت به پلاک های بالا اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول بمدت روز مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت وهمچنین در خصوص آگهی تحدید حدود کسانیکه نسبت به حدود و حقوق ارتقاعی اعتراض دارند طرف مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس مطابق ماده ۵۶ آئین نامه اعتراض خود را به صورت کتبی به این اداره تسلیم و برابر تبصره ۲ ماده واحد معترض می‌بایستی ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع فیضاح قضائی اقدام و گواهی مبنی بر تقدم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت عملیات ثبتی ادامه خواهد یافت.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

حجت الله تجری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان- شناسه آگهی ۱۸۵۶۵۳۳

داستان کوتاه

چشمه توین



فرزاد خدنگ، گرگان

بابا آخ نگفت، اما گریه ای کرد که کسی ندید. چون زل زده بودیم به چشم های هم. مادر بزرگ خانه را ریخته بود به هم، حق هم داشت. پی هفت هیکل می گشت، آخر تا حالا سنگی به بام و شیشه نخورده بود. همه ی سنگها می افتاد آن طرف پرچین یا آخرش بام گاش... هرچه نبودن هفت هیکل بیشتر می شد چروک های صورتش بیشتر می شد، بیشتر می گفت که: «شوهرت شماها رو هم ول کرده به امون خدا رفته جنگ! جنگ برای آدمای مجرد نه اونایی که زن و بچه دارن.» مادرم را می گفت که ساکت نشسته بود توی هال، بی روسری و داشت موهای عمه ام را می بافت. حاجی بابا پیشانی ام را بوسید و فراموش کردم که... سنگ دیگری افتاد روی بام. مشخص بود از نزدیک پلاخن می چرخاند. سگ ها بوشان را گرفتند و رفتند سمت جنگل. تا نزدیک بغله هم رفتند اما چیزی پیدا نکردند. فرار کرده بودند ترسوها. سگها وق زنان برگشتند. همین که جلوی سکو دم تکاندند. سنگ دوباره بام خانه را پیدا کرد. حاجی بابا گفت: «برقارو خاموش کنین» مادر بزرگ دست از گشتن کشید، ساکت شد. روشنایی که رفت سگ ها را نیمه دیدم که پخش شدند. یکی رفت توی گاش. یکی پایین راه، یکی لبه راه جنگل نشست و بری هم جلوی سکو، سرهاشان بالا بود. اما دیگر سنگی نیامد تا خروس خوان شد. خواب بیلار دیدم حاجی بابا همانجا نشسته نماز می خواند. کنارش خوابم برده بود. قنوت را که خواند خوابم برد. سلام را که تمام کرد، بیلار شدم. دیدم پایش را زل زده و آرام جابه جایش می کند. چیزی نگفتم تا ببینم چطور تنهایی با دردت کنار می آید. مادر بزرگ آمد و دستمال پا را عوض کرد اما خوابم برد یا ندیدم که چگونه خون را پاک کرد. با صدای حمید بیلار شدم. از خانه پایین آمده بود تا بگویند، عمو گفته (دیشب شیشه ما رو هم شکستند) «مادرم بد ترسیده» (باید کاری کنیم). اما حاجی بابا ساکت بود تا حرفهایش تمام شود. اشاره کرد تا از تاقی که از انبار تا روی زده های سکو را پوشانده قوره بچینند و برای مادرش ببرد. مادر حمید عاشق قوره بود. هرچند که نشناخته می گفت: «تقصیر چشمه توینه، خشک بشه بهتر نیست؟ دعوای هم می خوابه» حاجی بابا: «یه امسال کم آب شده، همونم اگه بناریم مثل قبل میشه. جنگ کل مملکت رو برداشته معلومه نحسیت چشمه های اینجارو هم خشک میکنه» مادر بزرگ: «نه حاجی بابا، راه چشمه گرفته، تا بالای دیوتیه بیشتر نیامد و بعد کم میشه، پنجاه سال عمر از خدا گرفتم، سی و پنج سالش کنار تو توی همین خونه کدوم سال چشمه توین خشکیده که این روز دوش باشه» بالا دست همه ی خانه ها بود. کسی نمی دانست از کجا

خروس خوان که می شد باران سنگ بند می آمد، پلاخن ها را جمع می کردند و طوری می رفتند که انگار گورشان را وقت نطفه بودن کنده اند و بعد خاکش داده اند. امشب از بالای خانه پلاخن چرخاندند و سنگ پراکنند. شب گذشت از راست خانه. هرشب از یک سمت، این ترسشان را می گفت که نوشوم می آملند و خروسخوان که می شد فرار می کردند و گرنه روز که سگ ها ریشان می دادند مثل گله خوک ها یا سگ ها گرگ می شلند و آن ها را می دریلند مثل گله گوسفندان هر جا که می خواستند باشند، دور یا نزدیک خانه... اما شب آن هم این شب ها بعد تیر کردن حاجی بابا، سگ ها هم زیاد دور وق نمی زدند. هنوز ناله های مادر بزرگ هست که حاجی بابا را می گفت: «چرا هفت هیکل رو با خودت نبردی، مگه اونارو نمیشناسی؟» حاجی بابا را تیر کرده بودند از پشت تلی ها، تیر خورده بود پای راستش. از بالا میج بسته بودند. خونس را ندیدم، روی دستمال هم. اما از آن بعد بد درد می کشید، طوری که مرتب فقط من از چشمانش می خواندم. دورش نشسته بودیم روی سکو، پایش را زل زده بودم، سرم، موهایم را دست کشید و گفت: «بیا این ور بشین، سنگ میزنم، ممکنه بخوره بهت» همین که از جایم نزدیک صورتش رفتم. شنیدم سنگ خورد لب حلی ی بام، یکی دیگر شیشه را شکست و تکه هایش را ریخت روی قرآن پشت پنجره. حاجی

بیرون می زند. اندازه دوقالی کف خانه که ده نفر کنار هم می شد رویش بخوابند، آن بالا بین دو درخت انجیلی همیشه پرآب بود. خودم وقتی روی کول پدرم بیشتر راه را تا آن بالا رفتم دیدم. بعد از راه کشکی که خود آب باز کرده بود به پایین می آمد. آب زیادی نداشت اما اگر یک قطره اش به پای محصول می رسید انگار سه بار زمین را سیراب کرده بودی. حاجی بابا را هم برای همین تیر کرده بودند، از پشت تلی ها زده بودند پای راستش را چون به ظن آن ها بد گفته بود که: «امسال محصول پرآب نکاریم و گندم دیمه بکاریم تا چشمه توین دوباره جون بگیره و ناحقی نشه برای آب» همه ی دعوای از اینجا شروع می شد که بعضی ها نمی فهمیدند اگر چشمه توین بمیرد، آب مابقی چشمه ها خودمان را هم سیر نمی کند چه برسد زمین ها را. چشمه توین اگر خشک بشود زمینها که می میرند هیچ، جنگل هم می میرد. پلاخن می چرخاندند که بروند سمت چشمه و گیرش را باز کنند، شب که جرئت بالا رفتن نداشتند، روز هم که ما می دیدیم. اما مگر تا به حال کسی به چشمه توین دست زده که این بار دوشم باشد. یا اصلا کلام راه را می خواهند باز کنند. چشمه توین را فقط باید دید که چطور زنده است و گرنه همه دینلد چاهی که سرهنگ پایین دست جنگل زد؛ چطور بعد هشت ماه خشکید و ماهی هاش... حاجی بابا بارها گفته بود که جایش نیست اما سرهنگ کار خودش را کرد. حالا نه زمین داشت، نه استخر پرآب. لب حوض می نشست و سیگار زرد دود می کرد مثل پدرم که به تلفن مادرم جواب داده بود و قرار بود آخر این ماه برگردد. حاجی بابا مطمئن بود برمی گردد و سمت قبرستانی را اصلا نگاه نمی کرد. آخر مادر بزرگ هنوز پیدایش نکرده بود. هرچه بیشتر آخر ماه می رسید، مادرم بیشتر چادر سر می کرد. دست من را می گرفت و می برد سمت روستا که زنگ بزیم به پدرم. من را بهانه می کرد که بهانه ی پدرم را می گیرم اما چادر سر کردنش مشخص می کرد که دل تنگی دارد پاهایش را با جاده ی جنگل بیشتر آشنای می کند. آخر این بار که رفتم روستا وقتی گوش را داند دست پدرم، ماشین های زیادی صدای پدرم را گم می کردند. بعد هم سریع خلاصی کرد. صدایش خسته بود و نبود اما آملش به عقب افتاده بود. مادرم موقع برگشتن آرام بود، طوری که انگار زنی شده بود که اصلا نمی داند آرامش چیست. دستم را گرفته بود و می گفت: «هفت هیکل، چشمه توین، جنگ، جنگ، جنگ، هفت هیکل، چشمه توین، سنگ...» صدای رادیوی حاجی بابا، خانه را برداشته بود. حمله کرده بودند. امشب از سنگ خبری نبود نمی دانم بخاطر

باران بود که مثل شبهای قبل می آمد، یا همه پای رادیو نشسته بودند. مادرم نشسته بود کنج هال و موهای خرمایی عمه ام را می بافت. من هم این سمت کنار این زده های قرمز، پایین راه را نگاه می کردم که قرار بود پدرم طبق قولش دو هفته قبل غروب نشده از آن برسد و بیاید سمت خانه. این کار دو ماهمان بود که باران بیاید، مادرم مو ببافد، باران بیاید، صدای رادیو بلند باشد و من زل بزنم به پایین راه و پدرم که چند هفته ای بود خبری ازش نداشتیم از پایین راه نرسد سمت خانه. هر نیم ساعت سگها وق می زدند و می رفتند سمت پایین راه. تا خانه پایین هم می رفتند، آرام برمی گشتند. حالا نزدیک خروس خوان شده ولی خانه ساکت است. حاجی بابا آب می خواهد تا وضو بگیرد. از زده ها کمک می گیرد، مادر بزرگ می آید و زیر بغلش را می گیرد و می روند. هنوز درد توی صورت و چشم هاش زیاد است. می روم مادرم را برای نماز بیلار کنم که می بینم هنوز باران می آید و او زمزمه می کند: «و سه شبه که چشمام به دره/ خدا کنه که خوابم نبره...» این شبها صدای رادیو زیاد است. اصلا نتوانیدم، کنارش دراز می کشم، بغلم می گیرد و ادامه می دهد... صدای مادر بزرگ نزدیکتر می شود که حاجی بابا را زمزمه می کند: «آخه چرا هفت هیکل رو با خودت نبردی؟ مگه اونارو نمیشناسی؟» وقتی تازه هفت هیکل را خانه آوردند. پشت مرغ بستند و تیر زدند. اولی که گیر کرد. دومی هم به مرغ نخورد. از بار سوم می ترسیدند که اعتقادشان بریزد اما حاجی بابا خودش زد و مرغ همچنان راه می رفت. یک بار هم عمو بهرام هفت هیکل را پنهانی برد بغله و گردن گاو انداخت و باز هم گاو چرید. ولی شش بد کتک خورد، نه برای اینکه فشنک کم داشتیم برای اینکه هفت هیکل برای بازی نیست. «حاجی بابا هرچی می گردم نیس، پیلانش نمی کنم. نکنه زدنی باشنش؟؟»

حاجی بابا ساکت است. سر برمی گرداند سمت قبرستانی که با یک درخت مازی بزرگ خودش را از ابتدای زمین ها و جنگل جدا کرده. می خندد. پایش را بد می گذارد زمین: «آخخ... حواست کجاس؟» «علی رو ببین که داره از پایین راه میآد! آکو؟ کجاس؟ صدای چییه؟» «خوب چشانتو از کن، با چشمه توین و جوی آب کار نداشته باش...» «بپرست رو ببین». از بغل مادرم می دوم سمت سکو... پا برهنه ام، پدرم میانه ی پایین راه است که به او می رسم، بغلم می گیرد، کلاه ارتشی اش را سرم می گذارد. تا چشم هایم می آید پایین و او فقط می خندد. پدرم لبخند می زند، مادرم را نیمه می بینم که روی سکو ایستاده بی روسری با موهای مشکی پریشان و گونه هایش تری...

کودکی بی پناه جان داده
ماضی حق آوری دارم
زیر بار مضارعی ساده
بر لبم هستی و دوباره شدم
مثل گردآفرید آزاده

تیرهایت به استخوان می خورد
ساعت از تیک و تاک عق می زد
شیر روی اجاق سر می رفت
هرچه هم می زدیم قانون را
عقربه سخت و تندتر می رفت
عصر آلوده ی زمستانی
غرق در خون و مُفْتخر می رفت
در خروش ملاقه و کفگیر
آشپزخانه آنقدر می رفت
«که دهانم به استکان می خورد»
دردلم رخت سُستم و سُستم
من به کارون چشم تو وصلم
از خودم ناگزیر می ریزم
آخرین لحظه های هر فصلم
لخته ی خون ترین معاشقه ام
نطفه ی بی نسب ترین اصلم
دوست دارم به زندگی برسد
منقرض های نسل در نسلم
«نَسب من به آسمان می خورد»
لحظه ی تلخ عشق، شیرین باش
آرزوی شکستی، نشکن!
نطفه ی نابرابر هستی
روی سطح غریب واژه ی «زن»
شاهراه بزرگ ابریشم
زیر آوار اجر و آهن
ای من هفت ساله ی معصوم!

شعر گلستان

من به کارون چشم تو وصلم

شعر تازه ای از
ریحانه دانش دوست، گرگان

تیک و تاک و دقایقی زخمی
تیک و تاک و... هزار دلهره بود
و دو فنجان خالی از قهوه
روی لب های خیس پنجره بود
لحن بی تاب «دوست دارم»
در تمام تنم محاصره بود
هی تو را می تپیدم و انگار
زندگی انعکاس خاطره بود
«کوچه در پوستم تکان می خورد»
چند ریحانه ی ترک خورده
در سرم اتفاق افتاده
پشت موسیقی نفس هایم

چه عبث است
آفتاب، هر روز
در پوستم برود
و از رگ هایم شیر نخورد،
چه عبث است
سپیده بتابد و تو
کوزه های عشق را
به چشمه نرسانی.



باید، آرام بگیرم
همیشه فاصله است که پیش می رود،
پاهای خونینی که تا ته مرگ
به زمستان می رسد
بر پیشانی نوشت خود
میخ می کوید،
راه های دور و نزدیک بسیاری
طی شده است
و اشک های پی در پی
که تمام تابلوهای زمین را
به سمت تو بر می گرداند،
با شتاب یا کند
هر چه بود
این راه را رفته است
فاصله ها، فصل ها، مفصل ها
جدا، جدا، در ستون فقراتم
تخم می گذارند،

آسمان صاف بود
از عشق صدای گریه می آمد
و ما،
خواستار وسوسه های بودیم که
بیهوده
به تماشا دل نبندیم
کلاغ هر چه بزیاید سیاهی ست.

«بنفشه»

آنجا که درخت پوست می اندازد
و دشت سینه می درد
و هوا گر می گیرد
آینده ی دستان من
در گودال چشم تو فرو می رود،
دشتی از تو در من است
هوایی از من در تو،
در کف من دریای توست
در گوش من رود تو جاری است
پشت هم
ساده می شوم
مهربان می شوم
وقتی پیراهن حریرم را
عوض می کنم
وسیع می شوم
تا
بنفشه ام
دستان تو را ببوید.

«کوزه های عشق»

پشت این برگ های انبوه

یاد



۱۹ دی ماه، سومین سالگشت درگذشت
محبوبه طاری دشتی، شاعر خوب بندرگز
بود. او، متولد ۱۰ تیر ماه ۱۳۵۹ در روستای
دشتی کلاته شهرستان بندرگز بود. کارشناس
ارشد زبان و ادبیات فارسی و کارشناس
فرهنگی، ادبی اداره کل فرهنگ و ارشاد
اسلامی گلستان بود. «دگر دیشی داغ» اولین
و تنها مجموعه شعر اوست که موسسه
فرهنگی انتشاراتی گرگان، در سال ۸۵ با
شمارگان ۲ هزار نسخه منتشر کرده است.
شعری از این مجموعه و دو شعر دیگر از
او را می خوانید:

«کلاغ»

وقتی کلاغ ها هجوم آوردند

در هزاران من بدون من
«کاش آتش به قلبمان می خورد»

گفت نبی اوست ولی و امیر



عبدالمعلی دمانوری

خانه ی ما روز و شبش عید بود
باغ گل و چشمه ی جاوید بود
آه از آن روز که ما گم شدیم
در به در خوشه ی گندم شدیم
مرتکب لغزش و عصیان شدیم
منحرف از حیلت شیطان شدیم
باز خدا لطف خود آغاز کرد
راه نجات همگان باز کرد

عقل به ما داد و هزاران نبی
هر یکشان صاحب یک مکتبی
تا که رساند همه را تا بهشت
نسخه ی هر قوم برایش نوشت
نوح و خلیل آدم و عیسی و لوط
قامتشان غرقه ی ذکر و قنوت
سر سبد و خاتم پیغمبران
ماه فلک شمس دل آسمان
راهنما خوانده شد از سوی رب
روز شد از پرتو او، نیمه شب
نور فرستاد برای بشر
تا نکند تیرگی اش در به در
غار حرا چشمه ی انوار شد
مهر به هر ناحیه بازار شد
باز امانت که خدا یاد کرد
عرش از آن واقعه بیداد کرد
سلطنت و شاهی مولا علی ست
بر همه ی خلق امیر و ولی ست
کیست که در محشر روز غدیر
گفت نبی: اوست ولی و امیر
کیست که در حین رکوع و صلات
می دهد انگشتری اش را زکات
کیست ابر مرد شجاع و دلیر؟
مرشد هر کودک و برنا و پیر؟
کیست علی؟ عابد شب های تارا!
چاه بگیرد ز غمش زار و زار
شان علی «واقعه» و «عادیات»
کیست علی؟ منجی روز مامت!
نیست جوانی بجز او با وقار
تیغ دو لب، تیزتر از ذوالفقار

خبر از آن روز که بی در شده
خیره ی سرینجه ی حیدر شده
عادل ادوار به قرآن علی ست
در بدن پاک نبی، جان، علی ست
عدل، از آینه ی مولا شکفت
عشق سخن از لب مولا شفت
سرو که خود مظهر آزادگی ست
حیرت حریت مولا علی ست
کعبه به شوق قدمش، سینه چاک
«می» شده از جوشش او پاک پاک
کوه شود در نظرش مثل کاه
تا که شود تکیه گاه بی پناه
راه بجز راه علی نیست نیست
حاکم ترین حاکم افلاک کیست؟!
هر که بجز نام علی خوانده است
پشت در علم نبی مانده است
فانش بگویم به همه یک کلام
مثنوی خویش نمایم تمام
راه نجات همه، راه صواب
نیست بجز پیروی از بوترباب



مادر آمد تا حواس من را پرت کند



شعر تازه ای از
مارال افشاری، گرگان

اسم من را بین جماعت غریبه پرسیدی
گفتمم آدم را توی وطنش
با اندازه ی وجب خاک
زیر پای مادرش صدا می زند
وقتی برای اولین بار
در بغل مضطرب و جوانش فرو مانده باشد
اصلا مادر آمد تا حواس من را پرت کند
تا گریه افتادم،
مادرم انگشت سبابه اش را تیر کرد
گریه را قطع کرد
من یاد گرفتم گریه ام را فراموش کنم
از یاد گرفتن فراموشی
از حافظه ی شیر که تبدیل به رفاقتی عمیق شده
بود و بعدها مسپرش را داد به نق های من،
دم تمام بستنی فروشی های شهر
همین بس که
بعد از بزرگ شدنم
اسم واقعی ام را هم فراموش کردم
مادرم، یاد من ماند
گریه، یاد من ماند
من هم در یاد همه ی اینها، دو پنجره ی کوتاه
نیم لا هستم
که انگار خدا دم رفتن
برای درست کردنشان وقت کافی گذاشته باشد
-مامان تو چطور حواسمو پرت کردی از گریه
کردن؟
مامان چطور خدا منو فرستاد سراغ تو
وقتی دعا کردن بلد نبودم؟
دی ماه ۱۴۰۳

برای پدرم



زهری از مینا وائق عباسی، گرگان

آفتاب گرم من ای زاده اردیبهشت!
ای سراپا مهر، ای طرحی زمینی از بهشت
ای دلیل شعرهایم، ای نخستین حامی ام
در شروع دفترم نام تو را باید نوشت
خانه ی تاریکمان با چشم های روشن است
می پرستیمت همه، آتش تویی، اینجا کنشت
چشم در آغوش تو وا کرده ام، گویی خدا
در ازل خاک وجودم را در آغوشت سرشت
کاخ من با خاک یکسان است دستانت کجاست؟
تا مرا از نو بسازی آجر آجر... خشت خشت
قهرمان اول هر دختری بابای اوست
سایه ات جاوید باد ای زاده اردیبهشت!

نام



محمدرضا ولی اللهی، گرگان

نام ها، پرده ای بر چهره ی حقیقتند،
واژه ها، زنجیری بر پای بنش.
آن گاه که نام از سنگ برگیرم،
تنها سختی اش را خواهم یافت،
و چون نام از دریا بردارم،
زرفای بی پایانش مرا در خود فرو خواهد برد.
سنگ ها بی نام،
حکایت پایداری کوهستان اند
و دریا، بی واژه
زمزمه چشمه ساران است
آینه ی بی تاب آسمان است.
برگ، بی نام، با بوسه ی نسیم
رقصیدن می آغازد،
و باد، بی هیاهو،
خاطره ی جنگل را به دوش می کشد.
من نام هایی را دیدم،
چون قفل بر دروازه ی بی کرانگی اشیا
و صداهایی شنیدم
که اصالت انسان را در هیاهوی بیهودگی گم
می کرد
جهان را بنگر
بی واژه، بی نام، بی نقاب
نام ها را بشکن، واژه را رها کن
سکوت را به وسعت اندیشه ساکن شو
تا جهان،
بی پرچم، بی مرز
راز بی کرانگی اش را با تو نجوا کند.

و روغن های دیگری هم هستند



شعر تازه ای از
آناهیتا فرحبخش، گرگان

چطور می شد فهمید
فصله
بین دو کوچه
انقدر دور است
مگر اینکه در یکی از آنها وسوسه مرده باشد
حالا باید وسوسه را اندازه گرفت
با آن مقدار که آب دهان خشک می شود
برای رفع هر خشکی
می شود یک نوع روغن خاص تجویز کرد
مثلا گریس
برای جیب های بی امان در
که از آنقدر نیامدن خشکش زده
اما نباید تعمیم داد
هر صدای قزقزی را به روغن
بی خوابی هم با فنرهای تخت همان کاری را
می کند
که سکوت
با قلنج اشبای خانه
نفس
عمیق تر
باز هم
عمیق تر
تا در بازدمش فرصت کافی باشد
برای سیر شدن از مردن
و از آنجا که رها شده بود
مسیر رسیدن به کوچه را ادامه دادن
با زانو هایی آب آورده و استخوان هایی خشک
که بوی روغن سیاه دانه می دهند
در جایی خوانده بودم روغن کنجد در سینه زن ها
کیست می سازد
کیست
یک محفظه بسته است که می تواند شامل هوا،
مایعات و مواد نیمه جامد باشد-
در سینه چیزهای خطرناکتری هم اما هست
مثل دردی که از سمت چپ پدرا را می کشد
و روغن های دیگری هم هستند
که در دسر کمتری دارند
مثل روغن بچه
اما دقیقا مشخص نیست

چند شعر از وجیهه ابراهیم نژاد، خان بیین



(یک)

یادم نرفته است
دست هایم را به تو سپردم
دست هایم را قلاب کردی
تا از آب گل آلود ماهی بگیری
و گرفتی
یادم تو را فراموش
بازی را باختی
دیگرمال خودت نیستی.

(دو)

بر مدار تو که می چرخم
زمین از دور می افتد
تا برایت زانو بزند
با تو
دنیا چقدر عجیب می شود
در قانون نیوتن
سیب مثال نقضی است
از تو

(سه)

اگر چشم هایم بدانند
بیماری شان
فرست رسیدن را
دورتر می بینند
تمام خواب های جهان را
به مرده می بخشد

(چهار)

پرم از عشق
پرم از تو
و پرم از
هیچ
وقت کم نخواهم آورد
و هیچ وقت رو دل نخواهم کرد
از این همه درد
مگر اینکه
فقط تو را بالا می آورم.

(پنج)

بهانه می گیری ام
چشم های لامذهبم دروغ می گویند
دفاع می کنم
سکوتت که خیمه بزند
دشمن می شوی
هی آتش بس
غنیمت خوبی است تنم

کنجای بچه
لازم است روغن کاری شود
و کیست که
کاری را که با روغن می توان درآورد
در محفظه ای بسته
با محتویات عموما مایع
اما نه آنقدر خیس که هذیان رفتن و نرفتن را
به دری برساند که باید بی صدا پشت سر گذاشته
شود
پشت در نگه دارد
تا صدای جزل ولز محتویات جامد توی تابه
خیالات آن طرف در را بر گرداند
-این بادمجان ها وقت برگرداندنشان است-
کوچه از آشپزخانه دارد دور می شود
سینه ها هنوز از کیست ها می ترسند
و سمت راستشان از آن طرف دیگر سرخ تر دیده
می شود
انگار باید پذیرفت
پشتت که باد می خورد
یعنی سرما می تواند پوست تنت را از خشکی
بترکاند

صدای تو



مجتبی نیازی، گنبدکاووس

با من حرف بزن
صدای تو حتا
در تبست، رمشو و ژولیت را زنده می کند
نگاه که می کنی
انگار روزنامه ها خبرهایی به داغی قهوه های برزیلی
از سرزمین اسکیموها چاپ می کنند
«مهربانی ات را با جنگ در میان بگذار» (۱)
تا کلاشینکف را به کودکی اش برگردانی
به لحظه ای که نقاشی عاشقانه اش را
چون موشکی برای ژاندارک...
آ... شاید آن وقت به جای شمشیر لبخند تو را
می دید
لبخند تو
چون برکه ای
در گلولی خشکیده ی آفریقا
در لحظه ی هراس گاومیش ها، کمین تمساح ها
با من حرف بزن
صدای تو حتا
نگاه تو حتا ...



فرصت طلایی زراعت چوب در گلستان



از نهال‌ها را پرداخت کرد و پس از آن درخت نیاز به هزینه و مراقبتی کمتری نسبت به سایر محصولات کشاورزی دارد.

آغاز توزیع رایگان ۱۳۰ هزار نهال ویژه زراعت چوب در گلستان

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان همچنین از توانایی کشت سالانه هزار هکتار زراعت چوب در این استان خبر داد و گفت: سال گذشته در هزار هکتار زراعت چوب انجام شد و برنامه این معاونت در سال جاری هم همین مقدار است که تاکنون نهال مورد نیاز برای ۳۰۰ هکتار آن فراهم شده و بقیه نهال مورد نیاز هم در صورت تامین اعتبار تهیه و در اختیار کشاورزان و علاقه‌مندان به این نوع زراعت قرار داده می‌شود. صادقیان، هزینه تولید و خرید هر اصله نهال اکالیپتوس و صنوبر را به طور متوسط ۲۰۰ هزار ریال اعلام کرد و افزود: هر هکتار زراعت چوب به هزار و ۱۰۰ اصله نهال نیاز دارد که باید در اختیار کشاورزان، دهیاران روستاها و علاقه‌مندان قرار گیرد. وی اضافه کرد: با آموزش تولید نهال صنوبر با قلمه به کشاورزان می‌توان نهال مورد نیاز را با کمترین هزینه تامین کرد و کارشناسان این اداره کل آمادگی ارائه مشاوره فنی و آموزش لازم در این خصوص را دارند. معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان همچنین با اشاره به دیربازده بودن زراعت چوب نسبت به سایر محصولات کشاورزی و انتظار حداقل هفت ساله آن برای رسیدن به سود اقتصادی گفت: یک درخت بالغ با سن ۱۰ سال در صورت کاشت اصولی و مراقبت‌های لازم به‌طور متوسط یک تن وزن پیدا می‌کند که قیمت خرید هر کیلوگرم آن امسال ۸۰ هزار ریال است. صادقیان افزود: هر درخت بالغ بطور متوسط ۸۰ میلیون ریال ارزش پیدا می‌کند و اگر یک کشاورز یک هکتار زمین خود را به زراعت چوب اختصاص دهد در صورت رعایت شرایط و اصول فنی در یک دوره ۱۰ ساله از هزار و ۱۰۰ نهال کاشته شده، ۸۸ میلیارد ریال درآمد کسب خواهد کرد یعنی سالی هشت میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال که رقم قابل توجهی است.

گلستان ظرفیت کشت سالی هزار هکتار زراعت چوب را دارد

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان همچنین از توانایی کشت سالانه هزار هکتار زراعت چوب در این استان خبر داد و گفت: سال گذشته در هزار هکتار زراعت چوب انجام شد و برنامه این معاونت در سال جاری هم همین مقدار است که تاکنون نهال مورد نیاز برای ۳۰۰ هکتار آن فراهم شده و بقیه نهال مورد نیاز هم در صورت تامین اعتبار تهیه و در اختیار کشاورزان و علاقه‌مندان به این نوع زراعت قرار داده می‌شود. صادقیان، هزینه تولید و خرید هر اصله نهال اکالیپتوس و صنوبر را به طور متوسط ۲۰۰ هزار ریال اعلام کرد و افزود: هر هکتار زراعت چوب به هزار و ۱۰۰ اصله نهال نیاز دارد که باید در اختیار کشاورزان، دهیاران روستاها و علاقه‌مندان قرار گیرد. وی اضافه کرد: با آموزش تولید نهال صنوبر با قلمه به کشاورزان می‌توان نهال مورد نیاز را با کمترین هزینه تامین کرد و کارشناسان این اداره کل آمادگی ارائه مشاوره فنی و آموزش لازم در این خصوص را دارند. معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان همچنین با اشاره به دیربازده بودن زراعت چوب نسبت به سایر محصولات کشاورزی و انتظار حداقل هفت ساله آن برای رسیدن به سود اقتصادی گفت: یک درخت بالغ با سن ۱۰ سال در صورت کاشت اصولی و مراقبت‌های لازم به‌طور متوسط یک تن وزن پیدا می‌کند که قیمت خرید هر کیلوگرم آن امسال ۸۰ هزار ریال است. صادقیان افزود: هر درخت بالغ بطور متوسط ۸۰ میلیون ریال ارزش پیدا می‌کند و اگر یک کشاورز یک هکتار زمین خود را به زراعت چوب اختصاص دهد در صورت رعایت شرایط و اصول فنی در یک دوره ۱۰ ساله از هزار و ۱۰۰ نهال کاشته شده، ۸۸ میلیارد ریال درآمد کسب خواهد کرد یعنی سالی هشت میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال که رقم قابل توجهی است.

کاشت درخت سرمایه‌گذاری پرسود و مطمئن است

وی همچنین کاشت درخت در گلستان را زراعتی پرسود دانست و گفت: همه افراد بویژه کشاورزان، شوراها و دهیاران روستاها می‌توانند نسبت به کاشت درخت در حاشیه زمین‌های کشاورزی، حیاط منزل یا حومه روستاها اقدام کنند و در واقع با این اقدام نوعی سرمایه‌گذاری پرسود و مطمئن انجام دهند. صادقیان اضافه کرد: برخی کشاورزان معتقدند که کاشت درخت در حاشیه مزارع آنها سبب ایجاد سایه و کنای رشد گیاه می‌شود اما باید گفت که با کاشت درخت، نوعی بادشکن در اطراف مزرعه ایجاد می‌شود که نفع آن بیشتر از سایه است و مهمتر از آن یک نوع سرمایه‌گذاری پرسود هم محسوب می‌شود و در بازه زمانی اشاره شده، پولی خوبی به کشاورز می‌رسد. وی ادامه داد: در زراعت چوب کشاورزان در ۲ سال اول باید هزینه کاشت و نگهداری

این زراعت باید نهال مناسب تهیه کنند و در این خصوص از کارشناسان منابع طبیعی مشاوره بگیرند. صادقیان افزود: بیشتر مناطق گلستان بویژه ۱۱۰ هزار هکتار اراضی شیبدار و حاشیه زمین‌های کشاورزی آن مستعد زراعت چوب هستند که باید مورد توجه قرار گیرند که در سال‌های گذشته مورد غفلت قرار گرفته‌اند. وی در پاسخ به اینکه آیا زراعت چوب در زمین‌های ملی حاشیه روستاها هم امکان‌پذیر است، اضافه کرد: کاشت درخت با استعدایابی زمین‌های ملی بعد از تهیه و تصویب طرح در قالب ماده سه قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور از طریق مزایده امکان‌پذیر می‌باشد و همه افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند در مزایده شرکت کنند. صادقیان ادامه داد: برای بهره‌مندی اهالی یک روستا از طرح ملی زراعت چوب باید شرکت‌های تعاونی در روستاها شکل گیرد و دوم اینکه قانون هم در این بخش اصلاح شود تا اهالی همان روستا بتوانند کاشت درختان و نگهداری از آنها را برعهده بگیرند و از درآمد آن برخوردار شوند. وی گفت: در سال‌های گذشته بخشی از زمین‌های ملی گلستان که برای کشت زراعت چوب مناسب بودند، شناسایی شدند اما به سبب وجود معارض این امر محقق نشد.

غرس ۱۰ هزار اصله نهال گز شاهی در حاشیه اترک

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان همچنین از تهیه ۱۰ هزار اصله نهال از گونه گز شاهی از استان قم برای غرس در نواحی شمالی استان بویژه اراضی حاشیه رودخانه اترک خبر داد و گفت: این گونه‌ها امسال به صورت آزمایشی غرس می‌شوند. صادقیان افزود: در صورت به ثمر نشستن این گونه گیاهی که چوب خوبی نیز دارد، توسعه آن در قالب زراعت چوب در دستور کار قرار می‌گیرد تا اهالی مرزنشین مناطق شمالی گلستان از مزایای آن برخوردار شوند. وی بابیان اینکه زراعت چوب یک فرصت خوب جهت ایجاد درآمد قابل توجه (عالی) برای کشاورزان گلستان است و آنها می‌توانند از این فرصت استفاده کنند، اضافه کرد: اگر فقط ۱۰ درصد از ۶۰۰ هکتار اراضی زراعی کم‌بازده این استان و نیز بخشی از زمین‌های شیبدار آن به زراعت چوب اختصاص یابد عواید خوبی نصیب مردم و صنایع چوب این استان کم‌برخوردار خواهد شد. یکی از کشاورزان شهرستان رامیان که ابتدا هزار و ۵۰۰ متر از زمین زراعی خود را به زراعت چوب اختصاص داده بود، گفت: اکنون ۲ هکتار زمین خود را که قابلیت کشت شالی دارد، از سه سال پیش درخت کاری کردم. احمد رجبلو افزود: از محل درآمد فروش چوب زمین هزار و ۵۰۰ متری توانستم یک دستگاه تراکتور خریداری کنم به همین علت از سه سال قبل نیز زمین ۲ هکتاری خود را به زراعت چوب اختصاص دادم. وی بابیان اینکه درآمد هر هکتار زراعت چوب حداقل سه برابر درآمد محصول شالی است، اضافه کرد: اگرچه مدت بازدهی زراعت چوب پنج تا هفت سال است اما ارزش آن را دارد زیرا هم به حفظ جنگل‌ها و محیط زیست کمک می‌کند و هم به تلطیف هوا و تامین اکسیژن و گردشگری، رجبلو که تاکنون توانسته دیگر کشاورزان را هم به کشت زراعت چوب ترغیب کند و حدود ۴۰ هکتار زمین‌های زراعی منطقه را به این زراعت پرسود تشویق کند، ادامه داد: بسیاری از کشاورزان تمایل به زراعت چوب دارند اما مساحت زمین آنها کم است و چون منبع درآمد خانواده‌شان از زمین تامین می‌شود نمی‌توانند به زراعت چوب روی آورند. وی پیشنهاد کرد: مسوولان یا واحدهای تولیدی صنایع چوب می‌توانند با حمایت از چنین کشاورزانی و پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به آنها، زمینه را برای زراعت چوب و توسعه آن فراهم کنند. به هر حال به نظر می‌رسد، زراعت چوب یک فرصت طلایی برای ایجاد درآمد و اشتغال پایدار برای کشاورزان گلستان و برخوردارانی از دیگر مزایای اشاره شده آن برای اهالی این استان باشد که توسعه و رونق آن نیاز به حمایت و ترویج بیشتر این صنعت پول‌ساز از سوی متولیان امر و صاحبان صنایع مرتبط با چوب دارد.

اکالیپتوس و صنوبر مناسب زراعت چوب در گلستان

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان همچنین گفت: کاشت اکالیپتوس و صنوبر برای زراعت چوب در این استان مناسب است و فقط کشاورزان و علاقه‌مندان به

کاشت درختان چوب‌ده یا زراعت چوب در عرصه‌های مستعد گلستان بویژه زمین‌های شیبدار و حاشیه زمین‌های کشاورزی و نواحی شمالی و کوهستانی استان و حاشیه رودخانه‌ها و زمین‌های مستعد ساحلی به باور کارشناسان از فرصت‌های طلایی کسب درآمد برای کشاورزان این استان شمالی محسوب می‌شود که باید با آگاهی بخشی و اهدای بسته‌های تشویقی از این ظرفیت بیشتر بهره‌برد. به گزارش ایرنا، استان ۲ میلیون نفری گلستان که اقتصاد اصلی ساکنان آن برپایه کشاورزی استوار است، حدود ۶۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی و باغی دارد که به باور کارشناسان اگر فقط ۱۰ درصد این زمین‌ها به زراعت چوب اختصاص یابد تحولی بزرگ در ایجاد درآمد پایدار برای کشاورزان و رونق اقتصادی این استان فراهم خواهد کرد. تامین مواد اولیه تولید صنایع چوب و کاغذ کشور، حفظ جنگل‌های ارزشمند هیرکانی، تثبیت خاک و جلوگیری از فرسایش آن، تلطیف آب و هوا و تامین اکسیژن و تقویت منابع آب سفره‌های زیرزمینی و جلوگیری از وقوع سیلاب‌های مخرب فصلی و ایجاد اشتغال پایدار و پیشگیری از ریزگردها از دیگر فایده‌های زراعت چوب و توسعه آن در کشور و نیز استان گلستان به شمار می‌رود. سابقه کاشت درختان چوب‌ده اگرچه در گلستان به دهه ۴۰ شمسی بر می‌گردد و در آن دوره در قالب قطعات ۱۰ هکتاری و در مناطق جلگه‌ای شمال استان زراعت چوب اجرا شد اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در چند دهه گذشته با استقرار صنایع چوب در استان‌های شمالی کم و بیش این زراعت مورد توجه برخی کشاورزان و علاقه‌مندان و نیز واحدهای تولیدی مرتبط با صنایع چوب قرار گرفت. اهمیت حفظ عرصه‌های جنگلی از یک طرف و تامین چوب مورد نیاز صنایع از سویی دیگر به همراه فایده‌های کاشت درختان چوب‌ده سبب شد طرح ملی زراعت چوب پس از تصویب قانون تنفس جنگل از اواخر سال ۱۳۹۵ به اجرا گذاشته شود و علاوه بر اجرای این طرح در برنامه پنج ساله ششم توسعه کشور، در صورت نیاز در برنامه هفتم نیز ادامه یابد.

دهه ۸۰ و رونق کشت درختان چوب‌ده در گلستان

کشت درختان چوب‌ده یا زراعت چوب به گفته معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان طی دهه‌های گذشته اگرچه با فراز و نشیب مواجه بوده اما در دهه ۸۰ در راستای اجرای طرح نگهداری از جنگل‌های شمال کشور با استقبال کشاورزان و واحدهای تولیدی مرتبط با صنایع چوب، رونق گرفت. جهان‌بخش صادقیان با اشاره به ۲ هزار هکتار سطح زیرکشت زراعت چوب در گلستان که بیشتر از گونه اکالیپتوس بود، یادآور شد: به سبب سرمایه سال ۱۳۸۶ و دمای بیش از منفی ۹ درجه آن سال، بسیاری از درختان دچار خسارت سرمازدگی شدند و همین امر سبب کاهش تقاضا برای کاشت این گونه چوب‌ده سریع رشد در استان شد. وی اضافه کرد: در یک دهه گذشته دوباره زراعت چوب در گلستان رونق گرفته و علاوه بر اکالیپتوس گونه صنوبر هم کشت می‌شود البته کاشت این گونه به سبب سرشت اکولوژی در خاک‌های سبک رشد بهتری دارد و چون بیشتر خاک‌های نواحی شمال این استان سنگین هستند بنابراین صنوبر فقط برای مناطق خاصی از گلستان بویژه شهرستان‌های غرب و دامنه‌های شمالی جنگل‌های این استان مناسب است. صادقیان ادامه داد: در پنج هزار و ۲۰۰ هکتار از زمین‌های گلستان زراعت چوب انجام می‌شود که این رقم باتوجه به ظرفیت‌های موجود از جمله ۱۱۰ هزار هکتار زمین شیبدار، حدود ۶۰۰ هکتار زمین کشاورزی و کم‌بازده نواحی شمالی استان بویژه حاشیه رودخانه اترک و زمین‌های مستعد ساحلی این سطح تا ۲۰ برابر قابل افزایش است.